

مریان؛ قدیمیترین روستای تالش

سلیم سلیمی مؤید

کارشناس مردم شناسی میراث فرهنگی استان تهران

روستای مریان از دامداری و بهره گیری از فرآورده های آن تأمین می شود. دامداران مریان در کوهپایه و مناطق مرتفعتر از مریان بسر می برند و معمولاً به کار تولید مواد لبنی اشتغال دارند که با توجه به شرایط زیستی و معیشتی خود در ایام سال ناگزیر به کوچ در فصول زمستان و تابستان هستند به طوری که با فرارسیدن فصل سرما به دامنه های جنگلی و کوهپایه های مشرف به جلگه و در فصل بهار و تابستان به مناطق مرتفع کوهستانی کوچ می کنند که معمولاً کوهستانهای خط الراس گیلان و آذربایجان را در بر می گیرد.

روستای مریان در کوهپایه مرکزی شهرستان تالش و در حاشیه رودخانه دایمی کرگانرود قرار گرفته است. منطقه کوهستانی تالش وضعیت آب و هوایی کاملاً متفاوتی با نواحی ساحلی دریای مازندران دارد، زیرا ایام بارندگی آن در فصل تابستان شروع می شود. تصور اختلاف درجه حرارت، سطح ارتفاع کوهستان با منطقه ساحلی و بخار آب ناشی از تبخیر زیاد دریا بر اثر گرماست و این مهم سبب شده تا در ایام تابستان آب و هوای مناطق کوهستانی بسیار دلپذیر و رویش گیاهان زمینه مناسبی را برای تعلیف دام ها فراهم آورد. از جمله بادهای معروف در کوهستان تالش می توان به گبله وا، گریج و خزری اشاره کرد. عمده معیشت ساکنان



روستای مریان را از نظر زبانی می توان در شمار گویش های ترکی قلمداد کرد ولی در طول زمان به دلیل داد و ستد و آمیزش با تالش های بومی منطقه و گیلک های همجوار بزبان تالشی و گیلکی را بخوبی تکلم می کنند. درباره وجه تسمیه مریان برخی روایت می کنند کلمه مریان در اصل مریم بوده است و مریم اولین کسی بوده که اقدام به ساختن خانه در محل فعلی روستا کرده است. اصابه مرور زمان نام آن تبدیل به مریان شده است. به روایت برخی دیگر آن را کنار جاده یا جایگاه می نامند و دلیل آن را وجود چشمه ای در

ابتدای روستا و کنار راه می دانند و می گویند «مر» یعنی جایگاه و «یان» یعنی کنار و حاشیه .

علاوه بر آن مریانی ها نقل می کنند قدیمیترین روستای منطقه کوهپایه تالش مرکزی، روستای مریان است و برای اثبات نظر خود اشاره دارند به قبور مربوط به پیش از تاریخ در جنوب مریان و بر این باورند که قبل از احداث بناهای مریان فعلی، روستای مریان بوده و نام آن نیز باستانی است (هم اکنون مالکیت قبرستان پیش از تاریخ در دست ساکنان روستای مریان است).

پوشاک مردمان مریان از جمله زنان، محلی و بومی است؛ به طوری که می توان به تومان، تونک، دیزلیک، زوین، جلیفه، کورتنک، پل، دون، دو شکیک و ... اشاره کرد.

علاوه بر آن وجود محصولات لبنی و آب و هوای مناسب و گیاهان طبیعی باعث

شده تا غذاهای متنوعی پخته و انواع نان های محلی نیز طبخ شود.

مسجد مریان در مرکز روستای مریان قرار دارد. بنای مسجد جدید است. داخل آن نیز یک محراب ساده وجود دارد و تشریح مخصوص مراسم محرم و دیگر ایام مذهبی همراه با



چندین تاس به چشم می خورده ..

گیاهان دارویی فراوانی در روستا و اطراف آن دیده می شود که هر کدام مصرف طبی دارند.

دعا درمسانی نیز در روستای مریان رواج دارد، برای نمونه برای رفع چشم درد، بیمار را نزد کسانی که صاحب کرامت هستند می برند، به این افراد اصطلاحاً صاحب اجاق می گویند. ابتدا مریض را در خانه گذاشته و یک یا چند نفر بدون اطلاع قبلی به منزل صاحب اجاق می روند، او نیز استکان بالیوان را پر از آب می کند بعد شروع به خواندن سوره مبارکه قیش می کند. سپس یک قطعه ذغال گذاخته شده به داخل استکان می اندازد. بار دیگر سوره فوق را می خواند و مجدداً یک قطعه ذغال دیگر به داخل استکان می اندازد و دوباره سوره فوق را می خواند و مجدداً یک قطعه ذغال دیگر به داخل استکان می اندازد. بعد استکان را همراه با ذغال به کسانی که برای شفا گرفتن آمده اند می دهد تا استکان را به منزل بیمار برده و کمی از آب داخل استکان را به بیمار بخوراند. بعد از خوردن کمی از آب به بیمار یک نفر با انگشت از آب داخل استکان را برداشته و مقداری از آن را به صورت بیمار می پاشد. علاوه بر آن کمی از آب را بر روی چشمان بیمار می کشند. با انجام این کار عقیده دارند بیمار خوب شده و ترس او برطرف می شود و چشم درد نیز بهبود می یابد.

رسم جالب توجه دیگری در روستای مریان وجود دارد که مربوط به بند آوردن باران است. در روستای مریان مراسم مخصوص بند آوردن باران را در گویش محلی «کچل باغلیم» (kacal baglyam) می نامند. در ایامی که باران بیش از پیش می آید، دو نفر از اهالی، یک رشته تاییده شده از پشم گوسفند یا موی بز را برداشته، بعد نام چهل نفر از کسانی که سر آنها به انجای مختلف بدون مو شده ذکر نام می کنند و با ذکر نام هریک از کچل ها، گره ای به رشته پشمی می زنند. این گره ها به تعداد چهل که رسید، رشته را به صحرا یا باغی می برند و به درخت می بندند. یک نفر با قطعه چوبی به دفعات زیاد و متوالی، رشته پشمی را مورد ضرب و شتم قرار می دهد تا اینکه نفر دوم که در فاصله ۲ تا ۳ نفری ایستاده جلوم می آید و به فرد ضارب می گوید: «تو این کچل باغلیم را زن، من ضمانت می کنم باران قطع شود» ولی فرد ضارب آن قدر ضربه می زند تا بند پاره شده و به زمین بیفتد. بعد بند را داخل گل ولای یا به اصطلاح محلی «زق» (zeg) همان لجن است) فرو می کنند. بند به مدت ۳ روز داخل گل ولای می ماند و باران قطع می شود.

روستای مریان به لحاظ مسکن، دامداری، کشاورزی، نقش و نگار هنرهای دستی، هنرهای سنتی، ادب عامه، افسانهها، مثل ها، چیستانها و .. بسیار غنی و قابل تعمق است.